بسم الله الرحمن الرحيم[[1]](#footnote-1)

سومين مطلب در تنبيه دوم را بيان كرديم. گفتيم نیازی به تعیین ضابطه برای شبهه غیر محصوره نداریم ضوابط مذکوره را هم نقد کردیم و حکم این شبهه کثیره را هم اشاره کردیم دیروز عرض شد که مسأله‌ای از عروه ذیل این مسأله فقهاء ضابطه خودشان را در شبهه غیر محصوره ذکر کرده‌اند که برای کارورزی، برخی از عبارات اعلام را اشاره می‌کنیم و مختصر توضیح می‌دهیم.

مرحوم حکیم ذیل این مسأله عبارتشان این است که الظاهر أنّ الشبهة الغیر المحصورة عند الفقهاء ماتکون أطرافها بالغة من الکثره حداً یوجب خروج بعضها عن محل الإبتلاء و بحکمها أن تکون الکثره موجبة لحدوث مانع آخر من التکلیف فی بعضها.[[2]](#footnote-2)

ایشان در این عبارت یک ضابطه برای شبهه غیر محصوره ذکر می‌کنند و مواردی را هم حکما به شبهه غیر محصوره ملحق می‌کنند و می‌فرمایند شبهه غیر محصوره عند الفقهاء شبهه‌ای است که آن قدر اطرافش زیاد باشد که کثرت اطراف سبب خروج بعض اطراف از محل ابتلاء بشود، آن قدر اطراف زیاد است که همه اطراف مبتلابه مکلف نیست، مانند همه لبنیاتی‌های قم برای ساکن قم، بعد می‌فرمایند: در حکم شبهه غیر محصوره است از نظر عدم تنجز علم اجمالی، مواردی که عنوان ثانوی دیگری ایجاد شود، کثرت عنوان ثانوی دیگری ایجاد کند که آن عنوان ثانوی مانع از تنجز تکلیف شود. مانند اینکه گاهی آنقدر اطراف زیاد است که احتیاط موجب عسر و حرج می‌شود و گاهی کثرت اضطرار می‌آورد و مجبور است از یکی از اینها استفاده کند اینجا هم که عناوین ثانویه را کثرت ایجاد کند و این عناوین ثانوی مانع از تنجز علم اجمالی شود، در حکم شبهه غیر محصوره است. دقت دارید که اصل ضابطه ایشان که بعضی دیگر از فقهاء هم قائل‌اند این قابل قبول نیست و عنوان ابتلاء و عدم الإبتلاء چنانکه در یکی از تنبیهات بحث خواهد شد، خودش عنوان مستقلی است که عدم ابتلاء سبب می‌شود علم اجمالی منجز نباشد، ما شبهه غیر محصوره را تفسیر کنیم به اینکه عند الفقهاء موردی است که کثرت، سبب عدم ابتلاء بعض الأطراف شود، این تعریف به نظر ما خلاف اصطلاح است.

آن عناون ثانوی در حکم غیر محصوره است که فرمودند فی الجمله صحیح است که یک وقت عسر و حرج رافع تکلیف است و گاهی اضطرار ربطی به کثرت اطراف ندارد.

عبارت مرحوم خوئی: فی کون اشتباه الواحد فی الألف من لاشبهة الغیر المحصوره دائما و فی عدم وجوب الإجتناب عنها اشکال بل منع.[[3]](#footnote-3)

دو مطلب دارند:

**مطلب اول:** به مثال اشکال می‌کنند. سید فرمود شبهه غیر محصوره مثل یکی در هزار است ایشان می‌فرمایند مثال یکی در هزار همه جا معلوم نیست مصداق شبهه غیر محصوره باشد. فرض کنید یک کیسه نخود است و علم اجمالی دارد یک دانه نخود در بین هزار نخود نجس است مرحوم خوئی می‌فرماند اینجا گفته نمی‌شود شبهه غیر محصوره است.

**مطلب دوم:** ظاهرا مبنای سید صاحب عروه را هم در شناخت شبهه غیر محصوره ایشان قبول ندارند. مرحوم سید صاحب عروه فرمودند اگر شبهه غیر محصوره باشد. مانند یکی در هزار لایجب الإجتناب عنه، عنوان شبهه غیر محصوره عدم وجوب اجتناب می‌آورد مرحوم خوئی می‌فرمایند و فی عدم وجوب الإجتناب عنها اشکال بل منع، یعنی گویا مرحوم خوئی می‌خواهند بفرمایند ضابط در عدم تنجز عدم حصر شبهه نیست، بلکه ضابط دیگری مانند ابتلاء و عدم آن یا عسر و حرج و اضطرار باید باشد.

عبارت مرحوم کاشف الغطاء: لیس ضابطة المحصور و غیر المحصور الشیوع فی القلة و الکثرة بل المدار علی کونه مما یمکن حصره عادتا أو لایمکن کشاة فی بلد أو ثوب فی السوق مع سعة البلد و کثرة الثیاب فی الأسواق.[[4]](#footnote-4)

می‌فرمایند کلام سید صاحب عروه که ضابطه را قلّت و کثرت دانسته‌اند، علم اجمالی ضمن عشره باشد شبهه محصوره است و ضمن هزار باشد شبهه غیر محصوره است مرحوم کاشف الغطاء می‌فرمایند ضابطه این نیست، شیوع علم اجمالی ضمن قلیل و کثیر ضابطه محصوره و غیر محصوره نیست، بلکه ملاک در ضابطه این دو آن است که آیا امکان عادی دارد حصر و جمع اینها یا نه؟ لذا مثال می‌زنند اگر در یک شهر بزرگ علم اجمالی داشت یک گوسفند از بین گوسفندان، موطوئه است لایمکن حصره عادتا، یا یک لباس از بین لباسها نجس است در یک شهر بزرگ عادتا حصر و جمع اینها ممکن نیست. بعد نکته دومی دارند که و إنما لایجب الإجتناب عن غیر المحصور إذا لم یقصد من اول الامر ارتکاب النجس أو الحرام و الا یعاقب علیه لو اصابه. این نکته دومشان را بعدا اشاره خواهیم کرد. می‌فرمایند اینکه عقل می‌گوید اجتناب در شبهه غیر محصوره واجب نیست در صورتی است که از اول انسان قصد ارتکاب نجس یا حرام را نداشته باشد و الا اگر قصد ارتکاب نجس یا حرام را داشت و اطراف شبهه را مرتکب شد معاقب است. این را بعدا توضیح می‌دهیم فرض کنید کسی می‌خواهد شراب بخورد برمی‌دارد یک ظرف شراب را بین دویست و سیصد ظرف قرار دهد شبهه غیر محصوره درست کند که تجویز شود شرب خمر، ایشان می‌فرمایند اگر از ابتدا قصد حرام داشته باشد حرام است.

مرحوم نائینی : ما بین ضوابطی که اشاره کردیم دو ضابطه در اجود التقریرات ذکر کرده بودند هر دو را نقد کردیم اینجا حاشیه عروه شان در فقه نگاه دیگری دارند. ابتدا می‌فرمایند فی کون الواحد فی الألف مطلقا من غیر المحصور اشکال بل منعٌ. و الظاهر انه لو بلغت المشتبهات من الکثره حداً لایتمکن عادتا عن جمیعها و ان تمکن عادتا عن آحادها علی البدل کان ذلک من غیر المحصور[[5]](#footnote-5) می‌فرمایند یکی از همان تعاریفی که ذیل ضوابط اشاره و نقد کردیم می‌فرمایند ظاهر این است که اگر مشتبهات از کثرت به حدی برسد که عادتا مکلف جمع بین همه نمی‌تواند داشته باشد هر چند علی البدل متمکن باشد یکی یکی انجام دهد و جمع کند اما عادتا نتواند یک جا اینها را جمع کند، می‌شود شبهه غیر محصوره. مثل اینکه دویست مورد باشد اطراف شبهه. اشکال این است که اگر شبهه بین ده پرس چلوکباب باشد که نمی‌تواند عادتا جمع کند بین آنها باعث می‌شود غیر محصوره باشد؟ این را قبلا نقد کردیم.

کلام مرحوم امام ذیل کلام سید: مرحوم امام ظاهرا ضابطه‌ای را که مرحوم سید نسبت به شبهه محصوره و غیر محصوره دارند می‌پذیرند و قبول دارند یعنی از حاشیه مرحوم امام و سکوتشان در مقابل اصل مطلب استفاده می‌شود که ایشان هم مانند مرحوم سید صاحب عروه عنوان محصوره و غیر محصوره را موضوع برای حکم می‌دانند و می‌فرمایند اگر اطراف قلیل باشد یکی در ده تا شبهه محصوره است و اگر کثیر باشد یکی در هزار اجتناب واجب نیست فقط یک نکته اضافه می‌کنند که لکن لایجوز ارتکاب الجمیع علی الأحوط. مخالفت قطعیه با علم اجمالی جایز نیست و فی جواز ارتکاب مقدار معتد به منه اشکال إذا کان نسبة البقیة نسبة المحصور الی المحصور.[[6]](#footnote-6)

ما این نکات را هم نقد داریم که توضیح خواهیم داد.

کتب اصولی این اعلام را مراجعه کنید با این ضابطه فقهی که در حاشیه عروه ذکر کرده‌اند تطبیق دهید و مقارنه کنید ببینید چه نکاتی به دست می‌آید.

**مطلب چهارم:**

طبق همه انظار هر تعریفی از شبهه محصوره و غیر محصوره داشته باشیم احتیاط به ضابطه داشته باشیم یا نه، دلیل بر اینکه در شبهه غیر محصوره جواز ارتکاب چیست هر چه باشد، روایات خاصه باشد یا بناء عقلا یا أدله مرخّصه باشد یا ارتکاز عقلا باشد که شهید صدر فرمودند، این بحث مطرح است که اگر شک کنیم در موردی که این شبهه محصوره است یا غیر محصوره قلیله است یا کثیره چه باید کرد؟ بسیار هم در فقه پر ثمر است. مرحوم سید، فرضا می‌گوید یکی در ده تا محصوره و یکی در هزار غیر محصوره است حال اگر یکی در پانصد باشد چه باید گفت؟

تفاوت هم دقت شود. مرحوم خوئی در منهاج الصالحین می‌فرمایند لو شک فی المحصوره و غیر المحصوره فالأحوط استحبابا اجراء حکم المحصوره[[7]](#footnote-7) . یکی از تلامیذ ایشان در نجف در منهاج الصالحین می‌فرمایند لو شک فی المحصوره و غیر المحصوره فالأحوط وجوبا اجراء حکم المحصوره[[8]](#footnote-8).

ممکن است کسی قاطعانه بگوید حکم غیر محصوره اجراء بشود باید ضابطه را بررسی کرد.

مراجعه کنید مرحوم عراقی در نهایة الأفکار ج3، ص335 میفرمایند طبق مبنای شیخ انصاری هر جا شک کردیم شبهه محصوره است یا غیر محصوره، أصالة البرائة عن التکلیف جاری می‌کنیم و می‌گوییم اجتناب لازم نیست، نتیجه این می‌شود که حکم غیر محصوره یعنی عدم وجوب اجتناب را جاری می‌کنیم[[9]](#footnote-9).

1. . جلسه بیست و هفتم –‌‌‌ مسلسل 145، سه شنبه – 20/8/1399. [↑](#footnote-ref-1)
2. . الظاهر أنّ الشبهة غير المحصورة عند الفقهاء ما تكون أطرافها بالغة من الكثرة حدّا يوجب خروج بعضها عن محلّ الابتلاء، و بحكمها أن تكون الكثرة موجبة لحدوث مانع آخر من التكليف في بعضها. [↑](#footnote-ref-2)
3. . موسوعة الإمام الخوئي؛ ج‌2، ص: 339: في كون اشتباه الواحد في ألف من الشبهة غير المحصورة دائماً و في عدم وجوب الاجتناب عنها إشكال بل منع. [↑](#footnote-ref-3)
4. . العروة الوثقى (المحشى)؛ ج‌1، ص: 107: ليس ضابطة المحصور و غير المحصور الشيوع في القلّة و الكثرة، بل المدار على كونه ممّا يمكن حصره عادة أو لا يمكن كشاة في البلد أو ثوب في السوق مع سعة البلد و كثرة الثياب في الأسواق، و إنّما لا يجب الاجتناب عن غير المحصور إذا لم يقصد من أوّل الأمر ارتكاب النجس أو الحرام و إلّا يعاقب عليه لو أصابه. [↑](#footnote-ref-4)
5. . العروة الوثقى (المحشى)؛ ج‌1، ص: 107: في كون الواحد في الألف مطلقاً من غير المحصور إشكال، بل منع، و الظاهر أنّه لو بلغت المشتبهات من الكثرة حدّا لا يتمكّن عادة عن جميعها، و إن تمكّن عن آحادها على البدل كان ذلك من غير المحصور، و مع الشكّ في أنّه كذلك يلحقه حكم المحصور. [↑](#footnote-ref-5)
6. . العروة الوثقى (المحشى)؛ ج‌1، ص: 107: لكن لا يجوز ارتكاب الجميع على الأحوط، و في جواز ارتكاب مقدار معتدّ به منه إشكال إذا كانت نسبته إلى البقيّة نسبة المحصور إلى المحصور. [↑](#footnote-ref-6)
7. . منهاج الصالحين (للخوئي)؛ ج‌1، ص: 20: و ضابط غير المحصورة أن تبلغ كثرة الأطراف حدا يوجب خروج بعضها عن مورد التكليف، و لو شك في كون الشبهة محصورة، أو غير محصورة فالأحوط- استحبابا- إجراء حكم المحصورة. [↑](#footnote-ref-7)
8. . منهاج الصالحين (للسيستاني)؛ ج‌1، ص: 29: دو ضابط غير المحصورة أن تبلغ كثرة الأطراف حدا يوجب كون احتمال النجاسة مثلا في كل طرف موهوما لا يعبأ به العقلاء. و لو شك في كون الشبهة محصورة، أو غير محصورة فالأحوط وجوبا إجراء حكم المحصورة. [↑](#footnote-ref-8)
9. . نهاية الأفكار ؛ ج‏3 ؛ ص335: (فعلى الوجه) الأول الّذي ارتضاه الشيخ قدس سره يكون ملحقا بغير المحصور لرجوع الشك في الحصر و عدمه حينئذ إلى الشك في بيانية العلم الإجمالي لدى العقلاء و صلاحيته للمنجزية فيكون المرجع في مثله هي البراءة ) [↑](#footnote-ref-9)